



نظر شیعه در مورد قبیله بنی قریظه

23 ماه ذی القعدة سال پنجم هجری قمری مصادف است با وقوع غزوه بنی قریظه، بنی قریظه طایفه‌ای یهودی بودند که تا قرن هفتم میلادی در شمال عربستان در حومه یترب (مدینه) زندگی می‌کردند.

23 ماه ذی القعدة سال پنجم هجری قمری مصادف است با وقوع غزوه بنی قریظه، بنی قریظه طایفه‌ای یهودی بودند که تا قرن هفتم میلادی در شمال عربستان در حومه یترب (مدینه) زندگی می‌کردند. برخی گفته‌اند آنها نوادگان قبایل یهودی مهاجر بودند و یا، اعرابی که به یهودیت گرویده و در عین پابندی به یهودیت، با اعراب ازدواج کرده و از بسیاری از آداب آنها تأثیر پذیرفته بودند. کارشناسان مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی، پاسخ این پرسش که «نظر شیعه در مورد قبیله بنی قریظه چیست؟ اینها چه قوم و قبیله‌ای هستند و چرا به این نام مشهور شدند؟» را جمع‌آوری کرده‌اند. به گزارش گروه دریافت خبر خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در پاسخ کارشناسان این مرکز که آن را در اختیار ایسنا قرار داده، آمده است:

پاسخ اجمالی:

بنو قریظه، یکی از قبایل یهودی ساکن در مدینه بودند که بر اساس معاهده‌ای چند جانبه، در این شهر زندگی مسالمت‌آمیزی با مسلمانان داشتند، تا زمانی که در جریان جنگ احزاب، آنان با نقض پیمان خود، عملاً در نقش ستون پنجم دشمنانی عمل نمودند که مدینه را در محاصره خود داشتند و بر همین اساس، پیامبر گرامی اسلام (ص)، بعد از پایان موفقیت آمیز آن جنگ، پیمان شکنان را به سزای خیانت خود رساند. شیعه و اهل سنت در نقل قسمت عمده‌ای از این ماجرا، اختلاف نظر چندانی ندارند. در مورد دلیل نامیده شدن آنان به این نام نیز باید گفت: بسیاری از قبایل عربی به اجداد خود منتسب شده و به نام آنها نامیده می‌شوند. بنابراین، یک احتمال آن است که نام گذاری "بنو قریظه" نیز به دلیل انتساب به فردی به نام "قریظه" باشد.

پاسخ تفصیلی:

پیامبر گرامی اسلام (ص)، به دلیل آن که از یک سو، او و پیروانش در شهر مکه مورد آزار و اذیت شدید بودند و مهاجرت تعدادی از مسلمانان به حبشه نیز نتوانست از شدت فشارها بکاهد، بلکه هر لحظه، خطر سوء قصد به جانشان می‌رفت، و از سوی دیگر، با مسلمان شدن اکثریت ساکنان شهر مدینه، آن شهر را محل مناسبی برای ادامه تبلیغ دین خویش ارزیابی می‌نمودند، مسلمانان را به هجرت بدان شهر فراخوانده و خود نیز مخفیانه و به همراه یکی از مسلمانان، بدان شهر مهاجرت نموده، و یا به عبارتی مجبور به مهاجرت شدند. 1 مدینه، بعد از این اتفاق مهم محل سکونت سه گروه اجتماعی عمده و اصلی شد:

1. گروه اول؛ تازه مسلمانانی بودند که از قبل در شهر مدینه سکونت داشته و بیشتر از دو قبیله پر جمعیت اوس و خزرج بودند که هر کدام از آن دو نیز دربرگیرنده قبایل کوچک‌تر و فرعی می‌شدند و به دلیل کمک و یاریشان به دیگر مسلمانان و ایثار اموال خود، 2 از عنوان "انصار" برای آنان استفاده می‌شد. 3

2. گروه دوم؛ مسلمانان سابقه‌داری بودند که از همان ابتدا و در شهر مکه، به این دین الهی گرویده بودند و به دلیل افزایش خشونت‌ها علیه آنان، ناچار به مهاجرت به مدینه شدند. این گروه از مسلمانان نیز با عنوان "مهاجرین" شناخته می‌شدند. 4

3. و در نهایت، گروه سوم؛ قبایل پراکنده‌ای از یهودیان بودند که به دلیل آنچه در کتاب‌های خود؛ مبنی بر ظهور پیامبری جدید در این منطقه خوانده بودند، به این شهر و اطراف آن مهاجرت نموده و انتظار داشتند که منجی موعود، از میان قبایل بنی اسرائیل برانگیخته شود، ولی چون پیامبر اسلام (ص) از میان قبایل عرب و یا فرزندان اسماعیل ظهور نمود، پذیرش پیامبری ایشان برای این دسته از یهودیان، سخت و دشوار به نظر می‌رسید!

علاوه بر یهودیانی که در مناطق پیرامونی مدینه؛ مانند خیبر و فدک و... حضور داشتند، سه قبیله اصلی از این یهودیان، به نام‌های "بنو قینقاع"، "بنو نضیر" و "بنو قریظه" در داخل شهر مدینه زندگی می‌کردند.

بدین ترتیب و همان گونه که ملاحظه شد، اکثریت اهالی مدینه از افرادی تشکیل می‌شدند که با میل و رغبت خویش، پیروی از پیامبر (ص) را پذیرفته و مدیریت و حاکمیت این شهر را نیز به ایشان محول نموده بودند.

از طرفی، پیامبر (ص) تمایل نداشتند که همه افراد را به اجبار، پیرو دین اسلام نمایند. ضمن این که نگرانی‌هایی نیز از بابت احتمال تنش‌هایی بین مسلمانان مدنی (انصار) و مسلمانان مکی (مهاجرین) داشتند. بر این اساس، ایشان اقدام به انعقاد معاهده سه جانبه‌ای، با نظارت عالی خودشان نمودند که این معاهده، هر سه گروه اجتماعی مهم موجود در مدینه (مهاجران، انصار و یهود) را تحت پوشش خود قرار می‌داد و یهودیان در پیمان خود ملتزم شده بودند که اگر پیمان شکنی نمودند، جان و مالشان بر پیامبر (ص) حلال باشد. 5

دو طرف این معاهده؛ یعنی مهاجران و انصار علی‌رغم برخی تنش‌های جزئی که با دخالت پیامبر (ص) برطرف شد، تا آخر به این پیمان وفادار ماندند، اما تمام قبایل یهود، یکایک و در موقعیت‌های زمانی مختلف، این پیمان را نقض نموده و طبیعتاً با پیامدهای ناگوار آن مواجه شدند که با توجه به نوع و شیوه نقض پیمان، این پیامدها از شدت و ضعف متفاوتی برخوردار بود،

بدین ترتیب که:

1. بنو قینقاع بعد از بازگشت پیروزمندانه پیامبر (ص) از جنگ بدر، پیمان خویش را نقض نموده و پیامبر (ص) به همین دلیل، با تبعیدشان به شام، آنان را به مجازات پیمان شکنی شان رسانده و آیه‌ای از قرآن نیز در شأن آنان نازل شد. 7

2. بنو نضیر نیز بعد از شکست ظاهری پیامبر (ص) و مسلمانان در جنگ احد، به فکر پیمان شکنی افتاده و یکی از افراد برجسته آنان به نام کعب بن اشرف، به همراه چهل نفر دیگر عازم مکه شده و با ابوسفیان، سرکرده مشرکان ملاقات نموده و زمینه توطئه‌هایی را فراهم نمودند که از آن جمله، سوء قصد به جان رسول الله (ص) بود که ناکام ماند. پیامبر (ص) بعد از آگاهی از این پیمان شکنی، مناطق مسکونی آنان را به محاصره خود درآورده، بعد از تسلیم این پیمان شکنان، از کشتن آنان صرف نظر نموده و تنها؛ مانند گروه قبل آنان را از مدینه تبعید نمود و در ضمن به آنان اجازه داد تا قسمتی از اموال خود را نیز به همراه داشته باشند. 8 قسمت عمده‌ای از آیات سوره حشر در ارتباط با این گروه از یهودیان نازل شده است.

3. سرنوشت "بنو قریظه" با ماجرای "جنگ احزاب" به هم پیوند خورده است. 9 جنگ احزاب یا خندق از آن جایی آغاز شد که قبایل مختلفی از مشرکان، با هزاران سرباز، روانه شهر مدینه شدند تا به گمان خود، اسلام را ریشه کن نمایند. پیامبر (ص)، بعد از آگاهی از حرکت دشمنان، با مشورت یکی از اصحاب ایرانی خود به نام سلمان فارسی، کانال یا خندقی را گرداگرد مدینه حفر نمود و سپاه دشمن با رسیدن به این خندق، زمینگیر شده و در سوی دیگر آن مستقر شدند و چون مدینه را همانند دژی تسخیرناپذیر یافتند که امکان نفوذ در آن نبود، تصمیم گرفتند تنها گروه باقیمانده از یهودیان در شهر مدینه؛ یعنی "بنو قریظه" را که تا آن زمان، بر پیمان خود با پیامبر (ص) باقی بودند، با خود همراه سازند و این نقشه آنان نیز مؤثر واقع شده و این گروه از یهودیان در داخل شهر مدینه، اقدام به شورش و خرابکاری نمودند. مسلمانان، اکنون با دو جبهه داخلی و خارجی مواجه بودند که شرایط سخت و دشواری را به آنان تحمیل نمود و حتی موجب ضعف عقیده برخی آنان شد. 10 اما به هر حال و با کمک و یاری خداوند و فداکاری‌های افرادی مانند امیرالمؤمنین (ع) و نیز ارسال نیروهای غیبی؛ نظیر باد و طوفان، کفه ترازو به نفع مسلمانان تغییر یافت 11 و مشرکان مهاجم، بدون دست یابی به هیچ نتیجه مشخصی از اطراف مدینه به محل سکونت خویش برگشتند.

بعد از بازگشت دشمن، پیامبر (ص)، تصمیم به برخورد با یهودیان پیمان شکنی گرفت که معاهده خود را زیر پا گذاشته و به ستون پنجم دشمن در داخل شهر تبدیل شده بودند. بر این اساس، مسلمانان به فرماندهی امیرالمؤمنین (ع) روانه محل سکونت آنان شده و آن جا را به مدت بیست و پنج روز به محاصره خود درآوردند، تا سرانجام، آنان را وادار به تسلیم نموده و در مورد چگونگی برخورد با آنها، گفت‌وگوهایی انجام شد، تا در نهایت خود یهودیان، تسلیم به داوری سعد بن معاذ شدند و او نیز به کشتن برخی و به اسارت درآوردن برخی دیگر از آنان داوری نمود. خداوند، این موضوع را نیز در قرآن کریم یادآور شده است. 12

این خلاصه‌ای بود از آنچه در مورد "بنو قریظه" اتفاق افتاد و با مطالعه تطبیقی در کتب اهل سنت و نیز کتاب‌های شیعیان، تفاوت اساسی و قابل ملاحظه‌ای را در نقل این واقعه مهم تاریخی نخواهیم یافت و میان این دو فرقه اسلامی، اختلاف نظر چندانی در زمان و شیوه برخورد پیامبر با بنو قریظه نیست و اصولاً زمینه و دلیلی نیز برای اختلاف وجود ندارد. اما در این که معنای بنو قریظه چیست؟ باید گفت که هر چند دانستن معنای اعلام (اشخاص، قبایل، شهرها و...) فایده چندانی ندارد، اما اجمالاً به استحضار می‌رسانیم که تعداد بسیاری از قبایل عربی، به نام پدرانشان نام گذاری می‌شدند و در این راستا، بنو قریظه نیز ممکن است به معنای فرزندان شخصی به نام "قریظه" باشد که این نام، خود برگرفته از نام درختی است که برگ‌هایی کوچک‌تر از برگ درخت سیب داشته و محصول آن، دانه‌هایی همانند گردو بوده که به عنوان سنگ ترازو از آن استفاده می‌شد، همچنین، چوب این درخت نیز در صنعت دباغی کاربرد داشت 13 و شاید هم فردی به نام "قریظه" وجود نداشته، بلکه به دلیل کاربرد فراوان چنین درختی در این قبیله، آنان بدین نام مشهور شده باشند.

پی نوشت‌ها:

1 توبه، 40، "... اذ اخرجہ الذین کفروا ثانی اثنین. . .".

2 حشر، 9.

3 توبه 100.

4 حشر، 8.

5 مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 19، ص 111، مؤسسة الوفاء، بیروت، 1404 ه ق.

6 همان، ج 20، ص 1.

7 حشر، 15، "کمثل الذین من قبلهم قریبا ذاقوا وبال امرهم. . .".

8 مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 20، ص 160 158.

9 آنچه بعد از این بیان می‌شود، مختصری برگرفته از ج 20، بحار الانوار، ص 186 به بعد، تالیف علامه مجلسی، یکی از دانشمندان برجسته شیعه است.

10 احزاب، 12، 10، "اذ جاؤکم من فوقکم و من اسفل منکم و اذ زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر و تظنون بالله الظنونا. . .".

11 احزاب، 9.

12 احزاب، 27، 26، "و انزل الذین ظاهروهم من اهل الکتاب من صیاصیهم و. . .".

